

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۸۵-۱۰۷

تحلیل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان

محمد جلالی، یوسف حجازی، احمد رضوانفر، و مهدی پورطاهری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۵

چکیده

در چند دهه اخیر، بروز مشکلات متعدد زیست‌محیطی به شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی و حمایت از آنها انجامیده است؛ اما زمانی به توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی می‌توان امیدوار بود که چالش‌های فراروی آنها شناسایی و سعی بر از میان برداشتن آنها شود. از این‌رو، هدف تحقیق پیمایشی حاضر شناسایی و تحلیل چالش‌های فراروی این سازمان‌ها بود. جامعه آماری تحقیق اعضای نه سازمان مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان را که از سال ۱۳۷۹ تأسیس شده‌اند، دربرمی‌گرفت (N=۱۱۸۷). حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران برابر با ۲۳۱ نفر تعیین شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل یک پرسشنامه منظم حاوی سؤالات بسته بود که روایی صوری آن با نظرات متخصصان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/92$) تأیید شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که نشانگرهای مورد بررسی در پنج مؤلفه چالش‌های مدیریتی، حمایتی، اجتماعی، ارتباطی و سازمانی قابل طبقه‌بندی بوده، ۷۳/۸ درصد تغییرات چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را تبیین می‌نمایند.

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه مراغه (mohammadjalali@yahoo.com)؛ اساتید ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران؛ و استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

کلیدواژه‌ها: سازمان‌های مردم‌نهاد، چالش‌های مدیریتی، محیط زیست، ظرفیت‌سازی، کردستان (استان).

مقدمه

افزایش سطح زیر کشت، صنعتی شدن جوامع، و افزایش بی‌رویه تعداد دام به تخریب محیط زیست از جمله نابودی حیات وحش، تغییرات آب و هوایی، نابودی مراتع، قطع درختان جنگلی، آلودگی آب‌های جاری اعم از رودخانه‌ها، دریاها و آب‌های زیرزمینی، تخریب و خشک شدن مرداب‌ها، فرسایش زمین‌های کشاورزی (Sundblad et al., 2007: 97; Shanee and Shanee, 2009: 330; Terwel et al., 2009: 290; Manful et al., 2007: 54; Fleischer and Sternberg, 2006: 294; Quaas et al., 2007: 252) و بسیاری از دیگر مشکلات زیست‌محیطی انجامیده است که می‌توان آنها را در سه سطح محلی (آلودگی هوا، خاک و آب)، منطقه‌ای (اثرات گلخانه‌ای، فرسایش خاک) و جهانی (تغییرات آب و هوایی، کاهش تنوع زیستی) دسته‌بندی کرد (Dizdaroglu et al., 2010: 594).

بروز این مشکلات در دهه‌های اخیر تصویب اسناد و الزامات بین‌المللی در کنفرانس‌ها و سازمان ملل را در پی داشت؛ تأکید این مصوبات بر ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی^(۱) و حمایت از آنهاست (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹). بدین منظور، دولتمردان در تمامی جوامع از جمله جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم فعال بودن سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیاری از زمینه‌ها، در زمینه محیط زیست نیز تا حد مقدمات به تأسیس و تقویت این‌گونه سازمان‌های غیردولتی همت گمارده‌اند.

بدیهی است که رویکرد توسعه فرهنگ زیست‌محیطی با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی (سمن) رویکردی کم‌هزینه و فراگیر است که می‌تواند بستری مناسب برای حفاظت از محیط زیست کشور قلمداد شود. یافته‌های مطالعات و تحلیل‌ها نشان داده است که سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در برجسته کردن مخاطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی در میان دولت‌ها و مردم تأثیری چشمگیر دارند؛ به‌گونه‌ای که بر سیاست‌گذاری‌ها و رفتار مردم تأثیر گذاشته‌اند و یا

نقش آنها در تفهیم و انتقال حقایق علمی درباره مسائل زیست‌محیطی به زبانی قابل فهم برای دولت‌مردان و مردمان محلی درخور توجه است و در نهایت، در تلاش برای چاره‌اندیشی مشکلات زیست‌محیطی ایفای نقش می‌کنند، به گونه‌ای که با بسیاری از مراکز تحقیقاتی در این زمینه همکاری می‌کنند (Dalmedico and Buffet, 2009: 27, 29).

طبق اسناد موجود، هدف از ایجاد چنین تشکل‌هایی آموزش همگانی در راستای ترویج اخلاق زیست‌محیطی و آگاهی بخشیدن به عموم مردم در زمینه پیامد فعالیت‌های مخرب انسانی در طبیعت و ترویج اصول زندگی پایدار در راستای حفظ و حراست از محیط زیست است، زیرا زمانی که مفاهیمی پیچیده همچون «پایداری» از سوی این سازمان‌ها بیان می‌شوند؛ بسیار باورپذیر و پذیرفتنی جلوه می‌کنند (Scherrer, 2009: 555).

سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادی قدیمی با مفهومی جدید است که ریشه در تاریخ گذشته بشر دارد و در زمان‌های گذشته، با مطرح شدن مدیریت اجتماعات بشری پا به عرصه هستی نهاده است. با توجه به ادبیات سازمان‌های مردم‌نهاد، در این زمینه که چه نوع نهادهایی می‌توانند سازمان‌های مردم‌نهاد تلقی شوند، اتفاق نظر وجود ندارد (میرزایی اهرنجانی و مقیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). لویس به نقل از اتریونی (Lewis, 2003: 328) به بررسی انواع مختلف سازمان‌ها به منظور تخمین دامنه شکلی و توسعه چارچوب مفهومی آنها می‌پردازد و سرانجام، سه شکل از سازمان‌ها را پیشنهاد می‌کند: سازمان‌های اجباری که قدرت خود را از مراکز سیاسی حکومتی دریافت می‌کنند، سازمان‌های اقتصادی که در پی کسب منافع اقتصادی‌اند، و سازمان‌های «بخش سوم» که متمایز از سازمان‌های دو گروه قبلی است. بیان اصطلاح بخش سوم سازمان‌ها بدین معنی است که آنها با سازمان‌های تجاری فرق می‌کنند، چرا که به دنبال سودآوری نیستند و از مؤسسات دولتی متمایزند، چون صلاحیت و اقتدار آنها از فرآیندهای سیاسی منتج نمی‌شود. با باور شِیرر (Scherrer, 2009: 555)، به اقتضای توزیع مجدد قدرت در

شرایط امروزی، سازمان‌های مردم‌نهاد در مقایسه با بخش دولتی و سازمان‌های تجاری نقشی اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند.

سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌هایی با شخصیت حقیقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی‌اند که برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش‌های غیرسیاسی بر اساس قانون، اساسنامه مدون، رعایت چارچوب موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۸). سمن‌ها به‌منزله راهکاری نو برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش از آن رو در دنیای امروز اهمیت یافته‌اند که می‌توانند به عنوان حلقه واسط میان حکومت‌ها و مردم، عهده‌دار انتقال خواسته‌های ملت به نظام حکومتی باشند (شجاعی، ۱۳۸۶: ۲۸)؛ این سازمان‌های داوطلب در راستای بسیج نیرو و احساسات داوطلبان برای کاهش رنج‌ها و با هدف توسعه انسانی عمل می‌کنند (Streeten, 1997: 199). از دهه هشتاد میلادی، سازمان ملل متحد از طریق حمایت مالی و فنی، زمینه‌ای مساعد برای رشد سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم آورده است، به‌گونه‌ای که افزون بر حمایت‌های همه‌جانبه از فعالیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های این سازمان‌ها، آنها را در راستای دستیابی به اهداف خود فعال کرده‌اند (شجاعی، ۱۳۸۶: ۲۸).

سالامون و آنهیر (Salamon and Anheier, 1999: 65-71) پنج ویژگی سازمان‌های بخش سوم را این‌گونه برمی‌شمارند: شکل‌گیری بر اساس واقعیت‌های نهادی، خصوصی، ذاتاً متمایز از دولت، عدم سودگرایی (اگر سودآور هم باشند، منافع به‌طور مستقیم به اداره‌کنندگان و خود اعضای آنها بر نمی‌گردد)، و خودگردانی، که عضویت در آنها به شکل اختیاری است.

دُمبروسکی (Dombrowski, 2010: 397) بر این باور است که سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه تغییرات زیست‌محیطی به سه شکل ایفای نقش می‌کنند: ارائه راهکارهایی برای ناملازمات درونی دولت‌ها، تقویت و ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت همه اعضای نظام اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های این بخش و سرانجام، به شکل داوطلبانه در رلستای انعکاس فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌های زیست‌محیطی.

به باور سیمونس (Simmons, 1998: 86-89)، سازمان‌های مردم‌نهاد برآنند که به چهار شکل تشریح مسائل و دستورالعمل‌ها، مذاکره با سازمان‌های دولتی، یافتن و عملی کردن راه حل‌ها، و تأثیرگذاری بر دولت‌ها، سازمان‌های بزرگ و مردم، وضعیت محیط زیست را بهبود بخشند.

امروزه، فارغ از نحوه شکل‌گیری و ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، نیاز شدید به توسعه این نوع سازمان‌ها در جوامع احساس می‌شود. نگرش مردم‌محوری فعالیت‌های توسعه‌ای سازمان‌های مردم‌نهاد، احساس سرخوردگی در میان سازمان‌های رسمی متکی به مساعدت‌های دولتی، رشد و تعالی مفاهیم جمعی توسعه، شکل‌گیری نگرش عمل‌گرایانه دولت‌ها برای مقابله با آن دسته از مشکلات زیست‌محیطی که به‌تنهایی دولت‌ها از عهده آنها برنمی‌آیند (Lewis, 2003: 326)، ایفای نقش در زمینه‌های مختلف حفاظت محیط زیست همچون جلوگیری از فرسایش خاک، حفاظت حیات وحش (Jepson, 2005: 517)، و ایجاد کانالی برای شناسایی و ارزیابی نیازهای اجتماعی برای حفاظت و پوشش تعداد بیشتری از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری در زمینه محیط زیست (Yang et al., 2010: 682)، از جمله دلایلی است که ضرورت توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد را انکارناپذیر می‌کنند. اما تنها زمانی به توسعه کمی و کیفی این سازمان‌ها می‌توان امیدوار بود که چالش‌های فراروی آنها شناسایی و سعی بر از میان برداشتن آنها شود.

به عقیده اکسل و باران (Aksel and Baran, 2006: 1)، سازمان‌های مردم‌نهاد در زمان توسعه سازمانی خود با دامنه‌ای گسترده از موضوعات پیچیده روبه‌رو می‌شوند که از آن میان، راهبرد برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، کارگزینی و ساختار اداری از جمله چالش‌های مدیریتی درون‌سازمانی و نیز نوع رابطه با سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد با اهداف اجتماعی از جمله چالش‌های برون‌سازمانی مطرح به‌شمار می‌روند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه فرآیند تصمیم‌گیری است. این مسئله بیشتر بین کارکنان و مؤسسان است، به خاطر انتظارات کارکنان یا اعضای که

در تصمیم‌گیری‌ها خود را هم‌اندازه مؤسسان می‌دانند. مشکل دیگر مربوط به رابطه بین هیئت مدیره و اعضای ستادی در نحوه اداره سازمان است؛ این مشکل بیشتر ناشی از ناتوانی هیئت مدیره و یا عدم تمایل اعضای آن به انجام مسئولیت خود در اداره سازمان است. اعضای هیئت مدیره اغلب از تجربه و یا زمان کافی برای انجام وظایف محوله به شکل کارا برخوردار نیستند؛ در نتیجه، کارکنان ستادی اغلب تصمیمات را با کمترین و یا بدون حمایت هیئت مدیره اتخاذ می‌کنند. مشکل دیگر ناتوانی در تعریف مرزهای کاری سازمان است؛ کارکنان میدانی اغلب احساس می‌کنند که منزوی‌اند و حمایت نمی‌شوند و درکی مشترک از موضوعات در سطح میدانی ندارند و افزون بر این، اغلب درمی‌یابند که صادق بودن با کارکنان ستادی بسیار مشکل است؛ از سوی دیگر، برای اجرای دقیق مصالح سازمانی، کارکنان ستادی احساس می‌کنند که باید کارکنان میدانی کنترل شوند (7: Mukasa, 1999). نحوه اداره این سازمان‌ها بسیار پیچیده است؛ بیشتر آنها را افرادی اداره می‌کنند که خود را قیم آن و مادام‌العمر می‌دانند و این در حالی است که از سوی عموم مردم انتخاب نمی‌شوند و البته هدف اساسی آنها این است که سازمان خود را برای جامعه عام‌المنفعه جلوه دهند و آن را مشمول معافیت مالیاتی کنند (Lewis, 2005: 255).

مشکل دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد در مسائلی چون عضوگیری، تفویض مسئولیت‌های سازمانی و توسعه منابع انسانی است (4: Vilain, 2006). اغلب این سازمان‌ها از بعد توسعه منابع انسانی ضعیف‌اند و از ساختار یا برنامه‌هایی برای توسعه کارکنان خود برخوردار نیستند؛ و افزون بر این، به‌گونه‌ای مطلوب برای آموزش کارکنان بودجه تخصیص نمی‌دهند. در چنین زمانی که سازمان به‌سرعت در حال توسعه است، مشکلاتی ایجاد می‌شود که بر فرآیند کاری آن تأثیر می‌گذارد. همه افراد برای سازمان‌های مردم‌نهاد به شکل داوطلبانه و بدون چشم‌داشت مادی فعالیت نمی‌کنند، بلکه بعضی از کارکنان از سازمان حقوقی ناچیز در مقایسه با بخش خصوصی دریافت می‌کنند که اسباب دلگرمی آنها نمی‌تواند باشد. گاهی اوقات این موضوع به‌کارگیری افرادی با توان مهارتی و مدیریتی پایین را موجب می‌شود (8: Mukasa, 1999). دیگر

پژوهشگران نیز روی کیفیت ضعیف آموزش‌ها و فقدان مشوق‌های آموزشی کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد صحنه گذاشته‌اند (Ahmad, 2002: 184)

افزایش اعتبارات مالی در بیشتر سازمان‌ها باعث کششی خاص شده است؛ برای جذب اعتبارات منابع عمومی، کارکنان ستادی اغلب از سازمان تصویر یک قربانی بیچاره و ناتوان و نیازمند مساعدت را نمایش می‌دهند، در حالی که دیگر کارکنان چنین احساسی را نادرست و فاقد ارزش برای کسب این اعتبارات مالی می‌دانند (Mukasa, 1999: 8).

بعضی از محققان نیز چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد را در سه بعد رشد ساختاری، ارزشیابی و ناتوانی در نحوه رویارویی با چالش‌های شناسایی شده بدین شرح دسته‌بندی می‌کنند: معمولاً سازمان‌های مردم‌نهاد در ابتدا کوچک و دارای مدیریت شخصی یا خانوادگی هستند که در صورت موفقیت و توسعه با مشکلات ساختاری از جمله نحوه اداره و حساسی روبه‌رو می‌شوند و برای آنها روی آوردن به ایجاد مدیریت مستقل و یا نقش‌های تخصصی در زمینه کاری خودشان دشوار است. ارزشیابی بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد توسعه یافته نیز به خاطر داشتن ویژگی‌هایی چون ناهمگنی، انجام فعالیت‌ها به شکل تجربی به جای پیروی از یک روال مشخص، داشتن اهداف چندبعدی و انتزاعی، رویارویی با کارشکنی و ضدیت‌های سازمان‌های دولتی، و نبود سازمان‌هایی با شرایط مشابه برای مقایسه خود با آنها دشوار شده است. دسته‌ای دیگر از چالش‌های این سازمان‌ها ناتوانی در نحوه رویارویی با مشکلات است؛ آنها دسترسی کم و ناچیز به دانش‌های تخصصی مورد نیاز خود دارند. برای نمونه، آنها ممکن است بدین مسئله اشراف داشته باشند که آموزش منابع انسانی بسیار مهم است، اما چه بسا دانش آنها برای مقابله با این چالش اندک باشد (Moore and Stewart, 1998: 336-338).

الوانی و قشقایی (۱۳۸۵: ۳۶)، در تحقیقی با عنوان «سازمان‌های غیردولتی و چالش‌های پاسخ‌گویی»، معتقدند که در شرایط ایده‌آل شفافیت، زمامداری، پاسخ‌گویی، و مشروعیت، ارزیابی عملیات سازمان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که معیارسازی، نحوه اجرای معیارها و پیگیری و کنترل از طریق ارتباط متقابل و بحث و گفت‌وگو میان گروه‌های ذی‌نفع برای حل مشکلات صورت گیرد. در چنین حالتی، درک و پذیرش مواردی که

نیاز به اعتمادسازی میان گروه‌های ذی‌نفع دارد، آسان‌تر می‌شود؛ در صورت چنین تعاملی، بها دادن به یکدیگر، داشتن فرصت و نقش در تصمیم‌گیری، باور و پذیرش یکدیگر، و مشخص شدن انتظارات امکان‌پذیر می‌شود.

ملک‌محمدی و میربود (Malk Mohammadi and Mirbod, 2005: 222)، در تحقیقی با عنوان «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در مدیریت منابع طبیعی»، به چالش‌های مدیریتی این سازمان‌ها از جمله منابع مالی و نحوه عضوگیری آنها اذعان دارند و در نهایت، بر هماهنگی فرابخشی این سازمان‌ها با سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان محیط زیست کشور تأکید می‌کنند.

به گفته هایللی و جیمز (Hailey and James, 2003: 2)، در تحقیقی با عنوان «ظرفیت‌سازی در سازمان‌های مردم‌نهاد»، بسیاری از محققان سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های اجتماعی را پرچم‌دار مقابله با محرومیت، مشکلات سلامتی، تخریب‌های زیست‌محیطی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و مانند آن می‌دانند. این مشکلات سبب بروز چالش‌هایی برای این سازمان‌ها شده است که تهدیدی برای اثربخشی و ادامه فعالیت آنها محسوب می‌شود. در نتیجه، دولت‌ها و حامیان آنها تشخیص داده‌اند که به تلاش و سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌سازی چنین سازمان‌هایی نیاز دارند.

از این‌رو، تحقیق حاضر با هدف بررسی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان انجام شده است تا ضمن شناسایی این‌گونه چالش‌ها، به ارائه پیشنهادی لازم برای رفع آنها با توجه توان و نیروی خود سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های اجرایی، و حامیان حقیقی و حقوقی آنها پردازد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها، از نوع غیرآزمایشی و از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی بوده و طرح اصلی مورد استفاده نیز پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق اعضای نه سازمان مردم‌نهاد (سمن) زیست‌محیطی استان کردستان است که از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ تأسیس شده‌اند و

در حال حاضر فعالیت می‌کنند ($N=1187$). برای برآورد حجم نمونه، از رابطه کوکران با دقت ۰/۰۶ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد با سطوح احتمال برابر با ۰/۵ استفاده شد و حجم نمونه برابر با ۲۳۱ نفر به دست آمد. به منظور تقسیم این حجم نمونه بین سازمان‌های مردم‌نهاد، از روش نمونه‌گیری انتساب متناسب با تعداد اعضای هر سازمان استفاده شد. در نهایت، نمونه‌های مورد مطالعه در هر سازمان به‌طور تصادفی انتخاب و بررسی شدند (جدول ۱). ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل یک پرسشنامه منظم حاوی سؤالات بسته بود. روایی صوری پرسشنامه به تأیید متخصصان رسید. به منظور آزمون پایایی پرسشنامه، یک مطالعه راهنما در محدوده خارج از جامعه مورد مطالعه ترتیب داده شد که بر اساس نتایج آن، اصلاح پرسشنامه صورت گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۲) تأیید شد. در نهایت، اطلاعات مورد نیاز تحقیق با تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد و تعداد ۲۳۱ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل انتخاب و تعداد ده پرسشنامه نیز به دلیل مخدوش و ناقص بودن آنها، حذف شدند.

جدول ۱- جمعیت کل سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان و حجم نمونه آماری

ردیف	نام سازمان	محل استقرار	جمعیت کل اعضا		سهم سازمان از نمونه	
			تعداد	درصد	آماره (n)	تعداد
۱	زنان زمین و توسعه پایدار	سندج- محدوده فعالیت استان	۱۰۰	۸/۴۲	۴۰	۱۷/۳۲
۲	کاریزه سراب قامیش	سندج- روستای سراب قامیش	۱۵۰	۱۲/۶۴	۲۵	۱۰/۸۲
۳	هوازو دیواندره	دیواندره	۲۵	۲/۱۰	۱۳	۵/۶۳
۴	حفظ محیط زیست	سندج	۲۹	۲/۴۴	۱۶	۶/۹۳
۵	سبزگروس	بیجار	۴۸	۴/۰۴	۲۰	۸/۶۶
۶	سبز سراب	قروه	۳۵	۲/۹۵	۱۳	۵/۶۳
۷	جمعیت سبز	سندج	۹۰	۷/۵۹	۲۲	۹/۵۲
۸	چیا مریوان	مریوان	۶۵۰	۵۴/۷۶	۶۵	۲۸/۱۴
۹	سبز سقز	سقز	۶۰	۵/۰۶	۱۷	۷/۳۵
جمع			۱۱۸۷	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برخی روش‌های آماری مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در تحقیق حاضر عبارت‌اند از فراوانی، میانگین، ضریب تغییرات، و تحلیل عاملی اکتشافی. تحلیل عاملی اکتشافی زمانی استفاده می‌شود که محقق دیدگاهی از مبانی نظری موضوع مورد تحقیق در قالب نظریات و مدل‌های نظری ندارد و در صدد کشف ساختار درونی گروهی از متغیرهاست. برای تشخیص مناسب بودن مجموعه نشانگرهای مورد تحلیل، از شاخص KMO و آزمون بارتلت بهره گرفته می‌شود. مقدار کمتر از ۰/۵۰ برای این شاخص نشان‌دهنده نامناسب بودن آن برای تحلیل است (Tanakinjal et al., 2012). آماره بارتلت برای تعیین تفاوت همبستگی متغیرها با عدد صفر استفاده می‌شود (Cramer and Howitt, 2004). برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد.

نتایج و بحث

میانگین سنی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد ۳۱ سال با انحراف معیار ۹/۰۸ سال است، که ۵۱/۲ درصد آنها به طبقه سنی بیست تا سی سال تعلق دارند، در حالی که ۳۳/۶ درصد آنها بین سی تا ۴۵ سال سن دارند؛ این یافته بیانگر جوان‌گرایی این سازمان‌هاست. توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۱۲۷ نفر از آنها (۵۸/۸ درصد) مرد و ۸۹ نفر (۴۱/۲ درصد) زن می‌باشند، که بیانگر درصد قابل توجه اعضای زن این سازمان‌ها و محرز بودن دغدغه‌های زیست‌محیطی آنهاست؛ تعداد ۱۱۸ نفر (۵۴/۹ درصد) متأهل و ۹۷ نفر (۴۵/۱ درصد) مجرد می‌باشند. همچنین، از لحاظ سطح تحصیلات، تعداد ۱۰۶ نفر (۴۹/۷ درصد) مدرک تحصیلی کارشناسی، ۲۴ نفر (۱۱/۴ درصد) کارشناسی ارشد و دکتری و تعداد ۸۳ نفر (۳۸/۹ درصد) نیز فوق‌دیپلم یا دیپلم دارند؛ این یافته مؤید آن است که بیش از ۵۹ درصد پاسخ‌گویان از مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر برخوردارند.

جدول ۲- دیدگاه پاسخ‌گویان در زمینه میزان اهمیت چالش‌های فراروی سازمان مردم‌نهاد

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای از ۵	نشانگر
۱	۰/۲۶۳	۱/۰۲	۳/۸۷	کیفیت پایین همکاری بین سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های مردم‌نهاد
۲	۰/۲۶۹	۱/۰۳	۳/۸۴	نبود درک مشترک از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی
۳	۰/۲۷۵	۱/۰۵	۳/۸۰	کیفیت پایین همکاری بین سازمان‌های اجرایی و سازمان‌های مردم‌نهاد
۴	۰/۲۷۸	۱/۰۳	۳/۷۳	کیفیت پایین همکاری بین دانشگاه و سازمان‌های مردم‌نهاد
۵	۰/۲۸۴	۱/۰۴	۳/۶۴	فقدان محیط کاری مناسب
۶	۰/۲۸۴	۱/۰۷	۳/۷۶	فقدان نظام اطلاعاتی یکپارچه
۷	۰/۲۸۷	۱/۰۳	۳/۶۰	فقدان راهبرد مؤثر مدیریت ایده‌های تازه و مناسب زیست‌محیطی
۸	۰/۲۹۰	۱/۰۲	۳/۵۱	فقدان بازده مطلوب ایده‌های حفاظت زیست‌محیطی از دید مردم
۹	۰/۲۹۲	۱/۱۱	۳/۸۰	فقدان مشارکت احاد مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی
۱۰	۰/۲۹۳	۱/۱۰	۳/۷۴	فقدان یک مدیریت جامع و مشخص برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی
۱۱	۰/۲۹۸	۱/۰۶	۳/۵۷	عدم توجه به چندبعدی بودن مباحث زیست‌محیطی از سوی مدیران
۱۲	۰/۳۰۴	۱/۱۰	۳/۶۱	پایین بودن ظرفیت نظام اجتماعی در پذیرش ایده‌های حفاظت زیست‌محیطی
۱۳	۰/۳۱۷	۱/۱۱	۳/۵۰	بروز مسائل و مشکلات مدیریتی در سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۴	۰/۳۲۶	۱/۱۴	۳/۵۰	فقدان شاخص‌های سنجش رضایت شهروندان
۱۵	۰/۳۴۰	۱/۱۷	۳/۴۴	فقدان رغبت مؤسسان این سازمان‌ها به اداره کردن مشارکتی سازمان
۱۶	۰/۳۴۱	۱/۱۴	۳/۳۴	فقدان رویه‌های مدیریتی منعطف برای مقابله با مشکلات زیست‌محیطی
۱۷	۰/۳۴۹	۱/۱۶	۳/۳۳	فقدان نوآوران و محققان زیست‌محیطی در استان
۱۸	۰/۳۶۳	۱/۲۸	۳/۵۴	مشخص نبودن منابع تأمین مالی
۱۹	۰/۳۶۳	۱/۱۱	۳/۰۵	فاصله زیاد مکانی بین سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان
۲۰	۰/۳۷۰	۱/۲۴	۳/۳۵	فقدان امکانات ارتباطی مناسب در سطح شهرستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد با استفاده از طیف لیکرت انجام گرفته است. در این طیف، پاسخ‌گویان نظر خود را در مورد هر کدام از گویه‌ها با انتخاب بخشی از طیف خیلی کم تا خیلی زیاد مشخص کرده‌اند. به منظور اولویت‌بندی نشانگرها، از ضریب تغییرات استفاده شده است. نتایج رتبه‌بندی نشانگرها با توجه به نظرات پاسخ‌گویان به ترتیب اولویت در جدول ۲ آمده است. بر اساس یافته‌های این جدول، نشانگرهای کیفیت پایین همکاری بین سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی و نیز نبود درک مشترک از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در رتبه اول تا چهارم قرار گرفته‌اند.

تحلیل عاملی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی تنها در صورتی می‌توانند از کارآیی لازم برخوردار باشند که چالش‌های فراروی خود را شناسایی کرده، درصدد رفع آنها برآیند. در این بخش، به نتایج تحلیل عاملی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی پرداخته می‌شود که در این راه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. نتایج این تحلیل نشان‌دهنده انسجام درونی داده‌هاست که خود نشان‌دهنده بهره‌گیری مناسب از تحلیل عاملی است ($KMO=0/884$). به‌طور کلی، معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان $0/99$ و مقدار مناسب شاخص KMO نشان از همبستگی مجموعه‌ای و مناسبیت آنها برای تحلیل عاملی دارد (جدول ۳).

جدول ۳- مقدار KMO ، آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری مجموعه گویه‌های مورد تحلیل

مجموعه گویه‌های مورد تحلیل	KMO	آزمون بارتلت	سطح معنی‌داری آزمون بارتلت
چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۸۸۴	۲۸۳۸/۶۳۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بعد از مرحله آزمون معنی‌داری، مرحله استخراج عامل‌ها آغاز می‌شود. هدف از این مرحله به‌دست آوردن سازه‌های زیربنایی است که تغییرات نشانگرهای مورد مشاهده را

موجب شده است. نخست، ترکیب‌هایی از متغیرها انتخاب می‌شود که همبستگی‌های آنها بالاترین میزان از واریانس کل مشاهده‌شده را نشان می‌دهد. این مجموعه عامل اول را می‌سازد. عامل دوم مجموعه متغیرهایی است که بالاترین سهم را در تبیین واریانس باقی‌مانده دارد. این شیوه برای عامل‌های سوم و چهارم و نیز عامل‌های بعد ادامه پیدا می‌کند تا تعداد عامل‌های استخراج‌شده برابر با تعداد متغیرها شود.

مقدار ویژه^(۲) یا واریانس تبیین‌شده توسط هر عامل برابر است با مجموع مجذور بارهای عاملی آن عامل؛ در واقع، مقدار ویژه اندازه واریانس استانداردشده با میانگین صفر و انحراف معیار یک است که به تعداد نشانگر یا متغیرهای واردشده در تحلیل عاملی استخراج می‌شود؛ اما این مقدار روند نزولی دارد، به گونه‌ای که برای عامل اول در تحقیق حاضر برابر با ۸/۴۹۲ است و این مقدار برای عامل‌های بعد کوچک‌تر می‌شود، به گونه‌ای که برای عامل پنجم برابر با ۱/۱۰۷ شده است. برای دیگر عامل‌های باقی‌مانده بعد از عامل پنجم، مقدار ویژه کمتر از یک شده، گویای آنکه اهمیت عامل یادشده از نشانگر مشاهده‌شده کمتر است و می‌توان آن را نادیده گرفت. بدین ترتیب، برنامه هر عامل با مقدار ویژه کمتر از یک را حذف می‌کند. مقادیر ویژه تعدیل‌شده بعد از چرخش متعامد واریماکس عامل‌ها در جدول ۴ آمده است.

بر اساس یافته‌های جدول ۴، در مجموع، پنج عامل استخراجی توانستند ۷۳/۸ درصد تغییرات کل را تبیین کنند، بدین معنی که مجموع نشانگرهای تحقیق حاضر تنها معرف این مقدار از چالش‌های فراروی این سازمان‌هاست و تقریباً ۲۶ درصد از چالش‌های فراروی این سازمان‌ها ناشی از عوامل و متغیرهایی است که در تحقیق حاضر بدانها پرداخته نشده است. همچنین، با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ که یکی از متداول‌ترین روش‌های سنجش روایی مقیاس‌هاست، ضریب روایی عامل اول ۰/۹۰، عامل دوم ۰/۸۶، عامل سوم ۰/۸۷، عامل چهارم ۰/۸۶، و عامل پنجم ۰/۷۸ است. این میزان از آلفای کرونباخ نشان‌دهنده روایی مناسب نشانگرها در طراحی عامل‌های یادشده است.

اولین عامل (مؤلفه) تبیین‌شده، حاصل از تحلیل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد از دید اعضای این سازمان‌ها، معطوف به مشکلات و چالش‌های مدیریتی در

سطح این سازمان‌هاست. این مؤلفه با دارا بودن ۲۱/۱۲ درصد تبیین چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد، در بالاترین رتبه نسبت به سایر چالش‌های فراروی این سازمان‌هاست که مواردی چون نبود راهبرد مؤثر مدیریت ایده‌های تازه و مناسب زیست‌محیطی، فقدان رغبت مؤسسان این سازمان‌ها به اداره مشارکتی این سازمان‌ها، فقدان رویه‌های انعطاف مدیریتی، و مانند آن از جمله نشانگرهای این مؤلفه به‌شمار می‌روند؛ این یافت پژوهش حاضر با یافته‌های شماری از دیگر پژوهشگران مطابقت دارد که از آن جمله‌اند: موکاسا (Mukasa, 1999)، لوئیس (Lewis, 2005) و اکسل و باران (Aksel and Baran, 2006). ضروری می‌نماید که مدیران و مؤسسان این سازمان‌ها بدین موارد توجه ویژه مبذول دارند و با توجه بدین موارد، درصدد رفع این مشکلات برآیند؛ از سوی دیگر، سازمان‌های اجرایی حامی این سازمان‌ها نیز می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی، به آشناسازی افراد با موارد یادشده و راهکارهای رفع آنها بپردازند.

عامل (مؤلفه) دوم زیر عنوان چالش‌های حمایتی که دربرگیرنده مواردی چون فقدان امکانات ارتباطی مناسب در سطح شهرستان، فقدان نوآوران و محققان زیست‌محیطی در استان، و مشخص نبودن منابع تأمین مالی است، با مقدار ویژه ۲/۹۴ و توانایی تبیین ۱۴/۷۳ درصد از واریانس کل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، در اولویت دوم قرار دارد، که گویای ضرورت حمایت از این سازمان‌ها از سوی سازمان‌های اجرایی واقع در سطح استان و شهرستان و مراکز آموزش عالی در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی لازماست. همچنین، فراهم‌سازی بسترهای ارتباطی مناسب بین اعضای این سازمان‌ها از سوی مدیران و مؤسسان آنها می‌تواند نقشی به‌سزا در کم‌رنگ و یا بی‌اثر کردن این چالش ایفا کند. ایجاد شبکه‌های ارتباطی به‌منظور کسب حمایت مالی شهروندان از سوی مدیران این سازمان‌ها و مبادرت به انجام پروژه‌های زیست‌محیطی با حمایت سازمان‌های ملی و بین‌المللی از جمله دفتر برنامه‌های توسعه سازمان ملل می‌تواند در رفع مشکلات مالی این سازمان‌ها بسیار مؤثر باشد. شایان یادآوری است که می‌توان تقویت شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی میان کاربران، افزایش منابع مالی این سازمان‌ها از طریق شناسایی راه‌های کسب منابع مالی از افراد، و بهبود

روابط بین سازمان‌های مردم‌نهاد در هر ناحیه را در قالب راهکارهای مقابله با این چالش معرفی کرد؛ این یافته پژوهش حاضر با یافته‌های محققانی چون ملک‌محمدی و میربود (Malk Mohammadi and Mirbod, 2005)، موکاسا (Mukasa, 1999) و ویلین (Vilain, 2006) همخوانی دارد.

عامل سوم، با مقدار ویژه ۲/۸۳ و توانایی تبیین ۱۴/۱۵ درصد از چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد، با عنوان چالش مقبولیت اجتماعی قابل بررسی است. این مؤلفه بیانگر نشانگرهایی چون نامناسب بودن بسترهای اجتماعی برای پذیرش ایده‌های زیست‌محیطی یعنی کمتر بها دادن جامعه به نشر ایده‌های حفظ محیط زیست است که ممکن است ناشی از کم‌توجهی بدین ایده‌ها در چارچوب برنامه‌های آموزشی و یا رویه‌های نشر دیگر باشد که منجر به بروز چالش زیست‌محیطی دیگری از جمله نبود یا ضعف مشارکت اقشار مردم در فعالیتهای زیست‌محیطی شده است.

عامل (مؤلفه) چهارم که دربرگیرنده مشکلاتی در زمینه تعامل و هماهنگی این سازمان‌ها با مراکز آموزش عالی، سازمان‌های اجرایی و تحقیقاتی است، مؤید یافته‌های ملک‌محمدی و میربود (Malk Mohammadi and Mirbod, 2005) و اکسل و باران (Aksel and Baran, 2006) بوده، با عنوان چالش‌های ارتباطی فرابخشی می‌توان از آن نام برد. سازمان‌های مردم‌نهاد برای موفقیت در فعالیتهای آموزشی و آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه در زمینه حفظ و احیای محیط زیست به تعامل و ارتباط مناسب با سازمان‌های اجرایی، مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی برای اطلاع از یافته‌های تازه تحقیقاتی و جذب دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی به عنوان سفیران مباحث زیست‌محیطی و بهره‌مندی از امکانات سازمان‌های اجرایی نیاز دارند. این عامل با مقدار ویژه ۲/۷۲ و توانایی تبیین ۱۳/۶ درصد از واریانس کل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد در رتبه چهارم قابل تأمل است. چالش‌های سازمانی که در عامل پنجم با مقدار ویژه ۲/۰۳۹ قادر به تبیین ۱۰/۱۹ درصد از واریانس کل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد شده است، معطوف به کاستی‌هایی از جمله فقدان نظام اطلاعاتی یکپارچه، فقدان محیط کاری مناسب و نبود درک مشترک از ظرفیتهای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی است.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل عاملی چالش‌ها و آزمون روایی مؤلفه‌های چالش‌های

فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی

عامل	نشانه‌ها	بار عاملی	ضریب روایی مقیاس	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده
حالت‌های مدیریتی	فقدان راهبرد مؤثر مدیریت ایده‌های تازه و مناسب زیست‌محیطی	۰/۸۱۵			
	فقدان رغبت مؤسسان این سازمان‌ها به اداره مشارکتی سازمان	۰/۸۰۶			
	بروز مسائل و مشکلات مدیریتی در سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۷۹۳			
	فقدان رویه‌های مدیریتی منعطف برای مقابله با مشکلات متنوع زیستی	۰/۷۴۰	۰/۹۰	۴/۲۲۵	۲۱/۱۲۶
	عدم توجه به چندبعدی بودن مباحث زیست‌محیطی از سوی مدیران	۰/۷۰۱			
	فقدان یک مدیریت جامع و مشخص برای سمن‌های زیست‌محیطی	۰/۶۲۵			
حالت‌های مالی	فقدان امکانات ارتباطی مناسب در سطح شهرستان	۰/۸۵۲			
	فقدان نوآوران و محققان زیست‌محیطی در استان	۰/۸۳۶			
	مشخص نبودن منابع تامین مالی فاصله زیاد مکانی بین سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان	۰/۸۱۹ ۰/۸۰۳	۰/۸۶	۲/۹۴۶	۱۴/۷۲۸
حالت‌های اجتماعی	پایین بودن ظرفیت نظام اجتماعی در پذیرش ایده‌های حفاظت زیست‌محیطی	۰/۸۳۳			
	فقدان مشارکت احاد مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی	۰/۸۰۸	۰/۸۷	۲/۸۳۰	۱۴/۱۵۱
	فقدان بازده مطلوب ایده‌های حفاظت زیست‌محیطی از دید مردم	۰/۷۴۸			
	فقدان شاخص‌های سنجش رضایت شهروندان	۰/۵۰۶			
ارتباطات	کیفیت پایین همکاری بین سازمان‌های اجرایی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۸۰۱			
	کیفیت پایین همکاری بین سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۷۷۸ ۰/۷۴۳	۰/۸۶	۲/۷۲۰	۱۳/۵۹۹
بازاریابی	فقدان نظام اطلاعاتی یکپارچه	۰/۷۹۷			
	فقدان محیط کاری مناسب	۰/۷۷۸			
	نبودن درک مشترک از فیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی	۰/۵۴۸	۰/۷۸	۲/۰۳۹	۱۰/۱۹۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایجاد تعامل و مشارکت اقشار جامعه در حفظ محیط زیست بر کسی پوشیده نیست. یافته‌های مطالعات و تحلیل‌ها نشان داده است که سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی تأثیری چشمگیر در برجسته کردن مخاطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی در میان دولت‌ها و مردم دارند و نیز در راه مقابله با مشکلات زیست‌محیطی، همکارانی واقعی برای مراکز تحقیقاتی به‌شمار می‌روند. ایفای چنین نقش‌هایی سبب تأکید بر تقویت توانایی این سازمان‌ها شده است، که از آن به ظرفیت‌سازی در سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی تعبیر می‌شود. پژوهشگران بر این باورند که ظرفیت‌سازی به افزایش توانایی افراد و نهادها در راستای پایداری و بهبود وضعیت آنها از طریق تقویت روحیه تلاش و توانایی حل مسئله می‌پردازد. اما تنها زمانی ظرفیت‌سازی در سازمان‌های یادشده می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود که در گام اول، مشکلات و چالش‌های فراروی آنها شناسایی و اولویت‌بندی شود و سپس، با برنامه‌ریزی منسجم و حمایت‌های مادی و معنوی لازم، توانمندسازی این سازمان‌ها انجام پذیرد.

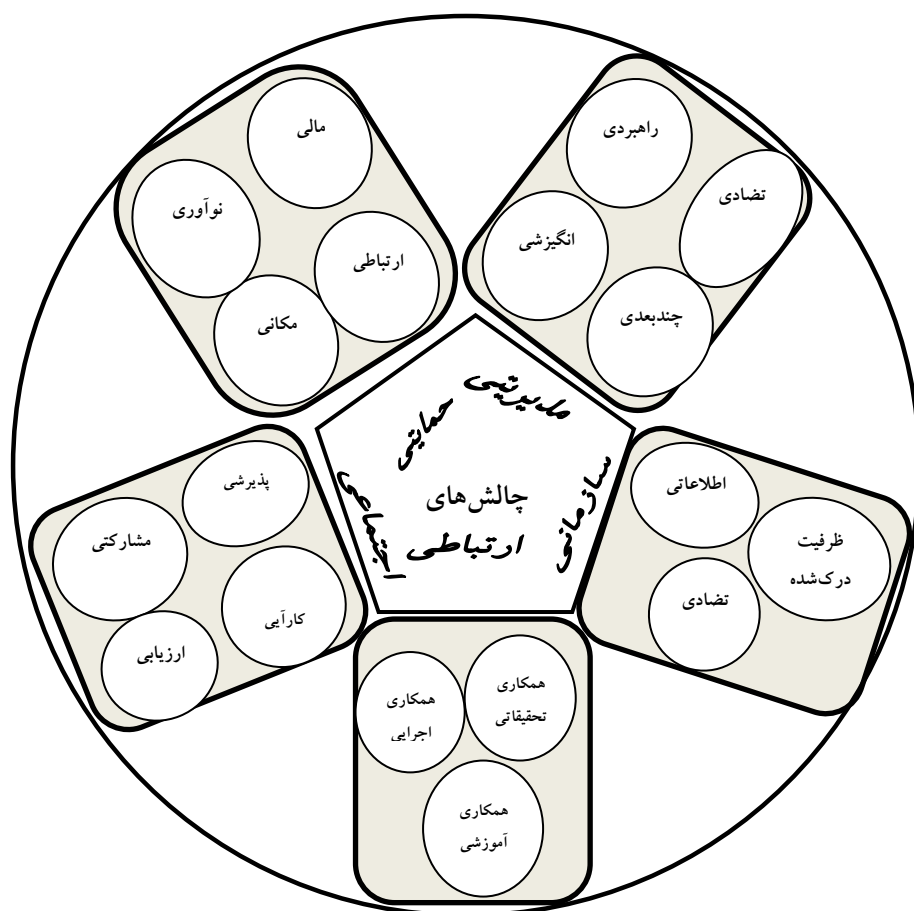
یافته‌های پژوهش حاضر که در دو بخش شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی ارائه شده، مؤید این نکته است که مجموع نشانگرهای مورد بررسی تنها ۷۳ درصد از کل تغییرات مربوط به چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد را تبیین می‌کنند و واریانس باقی‌مانده مربوط به نشانگرهایی است که در تحقیق پیش‌بینی نشده است. نشانگرهای یادشده را می‌توان در پنج عامل (مؤلفه) چالش‌های مدیریتی، حمایتی، اجتماعی، ارتباطی، و سازمانی حاصل از تحلیل عاملی طبقه‌بندی کرد که نشان از تبیین اعتبار بالای آن دارد.

از این رو، به منظور تلاش در راستای پایداری و اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، ضروری می‌نماید که این‌گونه سازمان‌ها بیش از پیش بدین چالش‌ها بپردازند و با رویه‌ای گام به گام، درصدد رفع آنها برآیند. نگاره ۱ معرف الگوی چالش‌های فراروی این سازمان‌هاست.

مدیران و مؤسسان سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در گام اول باید چالش‌های مدیریتی را مد نظر قرار دهند، زیرا بیشترین واریانس تبیینی را به خود اختصاص داده است؛ از سوی دیگر، این‌گونه چالش‌ها بیشتر یک مقوله درون‌سازمانی است که با توجه به رویه‌های مدیریتی نوین، امکان رفع آنها وجود دارد.

چالش مقبولیت اجتماعی که معرف نشانگرهایی چون نامناسب بودن بسترهای اجتماعی برای پذیرش ایده‌های زیست‌محیطی یعنی کمتر بها دادن جامعه به نشر ایده‌های حفظ محیط زیست است، چه بسا ناشی از کم‌توجهی به ایده‌ها و اهمیت مباحث زیست‌محیطی در چارچوب برنامه‌های آموزشی و یا رویه‌های نشر دیگر باشد که منجر به بروز چالش زیست‌محیطی دیگری از جمله مشارکت ضعیف یا عدم مشارکت اقشار مردم در فعالیتهای زیست‌محیطی شده است؛ از این رو، بررسی دقیق آن از سوی همه مسئولان اجرایی و کلیه اعضای نظام اجتماعی که دغدغه‌های زیست‌محیطی دارند، ضروری می‌نماید.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که تلاش برای ایجاد پل‌های ارتباطی مناسب با سازمان‌های اجرایی، آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی به عنوان منابع ایده‌های تازه و همچنین، جذب اعضای جدید از سوی این سازمان‌ها صورت گیرد تا از این رهگذر، نه تنها بر مقبولیت اجتماعی بلکه بر تقویت بنیان دانشی این سازمان‌ها نیز افزوده شود.



نگاره ۱- الگوی چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد

یادداشت‌ها

1. Environmental Non-Governmental Organizations (NGOs)
2. Eigen value

منابع

- الوانی، م. و قشقایی، ف. (۱۳۸۵)، «سازمان‌های غیردولتی و چالش‌های پاسخ‌گویی». *فصلنامه مطالعات مدیریت*، شماره ۴۹، صص ۲۵-۳۸.
- سازمان ملل متحد (۱۳۷۹)، «دستور کار ۲۱». *کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه*. ترجمه حمید طراوتی و سیدامیر ایافت. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- سعیدی، م. (۱۳۸۱)، *موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- شجاعی، آ. (۱۳۸۶)، «نقش تشکلهای غیردولتی (NGO) در توسعه پایدار و صنعت گردشگری». *مسافران*، شماره ۴۰، صص ۲۸-۳۰.
- میرزایی اهرنجان، ح. و مقیمی، م. (۱۳۸۲)، «ارائه الگوی مطلوب سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی». *دانش مدیریت*، شماره ۶۲، صص ۱۰۱-۱۳۸.
- Ahmad, M. M. (2002), "Who cares? The personal and professional problems of NGO fieldworkers in Bangladesh". *Development in Practice*, 12(2):177-191.
- Aksel, I. and Baran, M. (2006), "Organizational problems of non-governmental organizations (NGOs)". Available on: <http://www.turkishweekly.net/article/159/organizational-problems-of-non-governmental-organizations-ngos-html>.
- Cramer, D. and Howitt, D. (2004), *The SAGE Dictionary of Statistics: A Practical Research for Students in Social Sciences*. London: Sage Publications.
- Dalmedico, A. D. and Buffet, C. (2009), "Environmental NGOs in the raising debate of climate change". In: P. Marty and S. Devaux (Eds.) *Social Movements and Public Action: Lessons from Environmental Issues*, pp.11-44. Available on: http://hal.archives-ouvertes.fr/docs/00/50/30/72/PDF/2_Dahan_DalmedicoBuffet_2009_Environmental_NGOs.pdf.
- Dizdaroglu D.; Yigitcanlar, T.; and Dawes, L. (2010), "An environmental assessment model for knowledgebased urban development". *Proceedings of the Third Knowledge Cities World Summit*, 16-19

- November 2010, pp. 593-603. Melbourne: Melbourne Convention and Exhibition Centre (In Press). Available on: http://www.melbourneknowledgesummit.Com/portals/14/proceedings/documents/34_Dizdaroglu.pdf.
- Dombrowski, K. (2010), "Filling the gap? An analysis of non-governmental organizations responses to participation and representation deficits in global climate governance". *Int. Environ. Agreements*, 10: 397-416.
- Fleischer, A. and Sternberg, M. (2006), "The economic impact of global climate change on Mediterranean rangeland ecosystems: a space-for-time approach". *Ecological Economics*, 59: 287-295.
- Hailey, J. and James R., (2003), "NGO capacity building: the challenge of impact assessment". Paper presented to the *New Directions in Impact Assessment for Development Methods and Practice Conference*, November 2003, IDPM University of Manchester.
- Jepson, P. (2005), "Governance and accountability of environmental NGOs". *Environmental Science and Policy*, 8(5): 515-524.
- Lewis, L. (2005), "The civil society sector; a review of critical issues and research agenda for organizational communication scholars". *Management Communication Quarterly*, 19(2): 238-267.
- Lewis, D. (2003), "Theorizing the organization and management of non-governmental development organizations towards a composite approach". *Public Management Review*, 5(3): 325-344.
- Malk Mohammadi, I. and Mirbod M. (2005), "The role of environmental non-governmental organizations in natural resources management extension (case study in Iran)". *American Journal of Environmental Sciences*, 1(3): 221-229.
- Manful, D. Y.; Kaulei G.; and Giesen, N. V. D. (2007), "Application of a fuzzy logic approach for linking hydro-ecological simulation output to decision support". Proceedings of the *Third International Symposium on Integrated Water Resources Management, Bochum, Germany*, September 2007, IAHS, 317: 54-59.

- Moore, M. and Stewart, S. (1998), "Corporate governance for NGOs?". *Development in Practice*, 8(3): 335-342.
- Mukasa, S. (1999), "Are expatriate staff necessary in international development NGOs? A case study of an international NGO in Uganda". *International Working Paper Series, 4*. Centre for Civil Society, London School of Economics and Political Science, London, UK. ISBN 075301260X. pp.1-35 (pdf). Available on: <http://eprints.lse.ac.uk/29092/>.
- Quaas, B.; Frank, K.; and Muller, B. (2007), "Uncertainty and sustainability in the management of rangelands". *Ecological Economics*, 62: 251-266.
- Salamon, L. and Anheier, H. (1999), "The third sector in the third world". In: D. Lewis (ed.) *International Perspectives on Voluntary Action: Reshaping the Third Sector*, pp. 60-96. London: Earthscan.
- Scherrer, Y. M. (2009), "Environmental conservation NGOs and the concept of sustainable development". *Journal of Business Ethics*, 85: 555-571.
- Shanee, S. & N. Shanee (2009), "A new conservation NGO, neotropical primate conservation: project experiences in Peru". *International NGO Journal*, 4(7): 329-332. Available on: <http://www.academicjournals.org/INGOJ>.
- Simmons, P. J. (1998), "Learning to live with NGOs". *Foreign Policy*, 112: 82-96.
- Streeten, P. (1997), "Non-governmental organization and development". *The American Academy of Political and Social Science*, 554: 193-210.
- Sundblad, E. L.; Biel, A.; and Ga'rling, T. (2007), "Cognitive and affective risk judgments related to climate change". *Journal of Environmental Psychology*, 27: 97-106.
- Tanakinjal, G. et al. (2012), "Relationship between perceived benefits and social influence towards self-disclosure and behavioral intention in web 2.0". *European Journal of Business and Social Sciences*, 1(4): 63-75.
- Terwel, B. W. et al. (2009), "How organizational motives and communications affect public trust in organizations: the case of

carbon dioxide capture and storage”. *Journal of Environmental Psychology*, 29: 290-299.

Vilain, M. (2006), “Non-profit management– current challenges for personnel management in German welfare organization”. Available on: <http://www.istr.org/conferences/capetown/volume/vilain.pdf>.

Yang, W. et al. (2010), “A conservation industry for sustaining natural capital and ecosystem services in agricultural landscapes”. *Ecological Economics*, 69: 680-689.

